

بررسی تطبیقی رویکرد رساله‌های تحریم دخانیات در عصر قاجار

محمد ولی پور^۱
طاهره عظیم‌زاده تهرانی^۲
زهرا علیزاده بیرجندی^۳

چکیده: دخانیات و ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن، از مباحث مهم در مطالعات تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران عصر قاجاریه است. در این دوران علمای شیعه رساله‌هایی درباره تحریم دخانیات نوشته‌اند. از جمله رساله‌های تدوین شده در این دوره، می‌توان به رساله‌های «حسن کربلایی»، «هیدجی» و «محمدباقر بیرجندی» اشاره کرد. در این نوشتار تلاش شده مقایسه‌ای تطبیقی میان سه رساله فوق درباره دخانیات انجام شود و رویکردهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فقهی آنها مورد بررسی قرار گیرد. در میان این آثار، رساله *نصح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه* بیرجندی به سبب دیدگاه‌های فقهی، رویکرد پزشکی و اجتماعی آن در خور توجه است و بر همین اساس، در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به مقایسه دیدگاه‌های مطرح در آثار فوق پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشانگر رویکرد اجتماعی به عنوان وجه اشتراک این آثار است، اما نگرش جامع بیرجندی و اهتمام وی به ابعاد اجتماعی، فردی، پزشکی و فقهی تریاک سبب شده است اثرش از سایر آثار متمایز باشد.

واژه‌های کلیدی: تریاک، محمدباقر بیرجندی، رساله‌های دخانیات، شیخ حسن

کربلایی، محمدعلی هیدجی

۱ مربی گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان m.valipoor@cfu.ac.ir

۲ دانشیار گروه تاریخ و تمدن و ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ta_azim@yahoo.com

۳ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۰۴

A Comparative Study of Different Approaches towards Tobacco Sanction Treatises in Qajar Era

Mohammad Valipoor¹
 Tahereh Azaimzadeh Tehrani²
 Zahra Alizadeh Birjandi³

Abstract: Tobacco and its social, economic and political dimensions are significant in cultural, social, and political studies of history in Qajar era. Shiite scholars and researchers have taken this important issue into account from different aspects and have created various works. Furthermore, several treatises about tobacco have been written in this era. Some of them are *Dokhaniya* by Karbalai, Hidaji and Mohammad-Bagher Birjandi. This paper aims to compare these three treatises and examine different approaches from social views, as well as political and juridical approaches. Among these works, *Resale Nosshal Esteghasah Men Malaeyn Salaseh* by Birjandi is significant due to its juridical, social and medical views. This paper, as a comparative study, has been done using the descriptive – analytical method. The results indicate that social approach is common in all of these works. However, the special attention of *Nosshal Esteghasah* to social, medical and juridical dimensions of tobacco is significant.

Keywords: Opium, Tobacco epistle, Mohammad-Bagher Birjandi, Sheikh- Hassan Karbalai, Mohammad- Ali Hidaji.

-
- 1 Instructor of History Education Department, Farhangian University (Corresponding Author), m.valipoor@cfu.ac.ir
 - 2 Associate Professor History and Civilization Department, Islamic Azad University of Mashhad ta_azim@yahoo.com
 - 3 Associate Professor, History Department Birjand University zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

مقدمه

در نیمه اول سده چهاردهم قمری، علمای شیعی دست به تحریر رساله‌هایی درباره دخانیات زدند. در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا (۱۳۰۷ق)، میان شاه و امین‌السلطان و تالبوت انگلیسی مذاکراتی بر سر خریدوفروش انحصاری توتون و تنباکو در ایران صورت گرفت. شاه و امین‌السلطان با دریافت رشوه‌ای کلان، امتیاز خریدوفروش انحصاری توتون و تنباکو در ایران را به مدت پنجاه سال به تالبوت واگذار کردند و سرانجام قرارداد به تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۰۷، شامل ۱۵ فصل در تهران به امضای شاه رسید (کرمانی، ۱۳۶۲: ۳۸/۱). اما یک سال بعد (۱۳۰۸ق) که تالبوت برای اجرای قرارداد اقدام کرد، مخالفت‌ها بالا گرفت. تجار، کشاورزان و روحانیون در داخل دست به مخالفت زدند و دولت روس هم که در صحنه رقابت از انگلیس عقب مانده بود، مخالفت کرد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۳۰-۲۳۹). دولت فرانسه نیز به علت نزدیکی با روسیه یا برای پس نیفتادن از قافله دست به اعتراض زد (ناطق، ۱۳۷۳: ۹۱)؛ که عاقبت این قرارداد با فتوای میرزای شیرازی در رمضان ۱۳۰۹ق. فسخ شد (فوریه، ۱۳۶۲: ۳۲۸). مطالعه و بررسی این آثار از جنبه‌های گوناگون تاریخ سیاسی و اجتماعی درخور توجه است. یکی از فواید این‌گونه بررسی‌های نقادانه، روشن شدن رویکردهای متفاوت پژوهشگران و مجتهدان آن عصر و خاستگاه فکری آنهاست. از جمله رساله‌های تدوین شده در زمینه دخانیات، رساله دخانیه اصفهانی کربلایی در سال ۱۳۱۰ق. در سامراست که سال ۱۳۳۷ش. توسط «ابراهیم دهگان» چاپ شده و در سال ۱۳۸۲ به کوشش رسول جعفریان با افزودن مقدمه‌ای بر آن، دوباره در ۲۷۱ صفحه شامل سه قسمت به چاپ رسیده است. در قسمت اول، مطالب مربوط به قبل از صدور فتوای میرزای شیرازی شامل نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غربیان در ایران و مقاله روزنامه اختر است. قسمت دوم، واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به تالبوت، قیام‌های تبریز و اصفهان و صدور فتوای تحریم را در برمی‌گیرد. قسمت سوم شامل پیامدهای صدور فتوای تحریم در ایران و شکست ناصرالدین‌شاه است.

رساله دخانیه هیدجی در سال ۱۳۱۰ق در تهران تدوین شده و در سال ۱۳۸۱ توسط علی‌اکبر ولایتی با افزودن مقدمه و توضیحات در ۲۲۸ صفحه به چاپ رسیده است. هیدجی در ابتدا به صورت کوتاه به نفوذ فرنگی‌ها در ایران اشاره کرده و آن را زمینه‌ساز واگذاری

امتیاز توتون دانسته است. وی در بخش بعدی، به واگذاری امتیاز، قیام شیراز و تلگراف میرزای شیرازی مبنی بر نصیحت شاه و عکس‌العمل شاه پرداخته و در قسمت سوم صدور فرمان تحریم، قیام تهران و آذربایجان و نقش علمای تهران و در نهایت شکست شاه و انگلیس را بیان کرده است.

رساله دیگری که در این زمینه نوشته شده، رساله فقهی *نصح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه* تألیف محمدباقر بیرجندی است (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۲۱). تاریخ کتابت این نسخه براساس قراین موجود حدود ۱۳۳۵ق است که در سه استغاثه و یک خاتمه تنظیم شده است. استغاثه اول در مذمت استفاده از تریاک و حکم شرعی آن است. استغاثه دوم در مذمت سیبیل گذاشتن و ریش تراشیدن و حکم شرعی آن؛ و استغاثه سوم در حرمت نوشیدن شراب و مسکرات نوشته شده و نویسنده در پایان به نقد رساله *دخانیه* عزالدین شیرازی پرداخته است. رساله فوق به زبان فارسی تدوین شده که کلمات عربی زیادی در آن به کار رفته است. نوع قلم و درجه آن متوسط است که بر روی کاغذ شکری، در ۷۶ برگ نوشته شده است. این رساله در جلد قرار دارد. جلد آن دارای آستر و بدرقه، شامل روکش کاغذ فرنگی سبز مشجر، عطف آن کالینگور آبی و آستر آن کاغذ فرنگی شکری است. تزئینات خاص در متن به کار نرفته است، فاصله بین سطرها یکسان است. تعداد خطوط بین ۱۷ تا ۱۹ سطر متغیر است و اندازه سطور ۱۲۰×۱۵۵ و قطع آن ۱۶۸×۲۱۵ است.

برای شمارش صفحات از «رکابه» استفاده شده است. «تحمیدیه» یا شروع رساله با حمد و سپاس خداوند متعال و درود بر محمد و آل محمد (ص) و اصحاب و تابعین آنها و لعنت بر دشمنان آنها است که می‌نویسد: «الحمد لله رافع الدرجات العالمین فی الآفاق و صلی الله علی محمد المبعوث لتتمیم مکارم الاخلاق و علی آله العزّ الکرام و اصحابه التابعین الفخام و لعنه الله علی اعدائهم من الآن الی یوم الانتقام» (بیرجندی، [بی‌تا]: ۱). پس از تحمیدیه، علت نگارش رساله بیان شده است.

در رساله فوق «انجام» وجود دارد که با این عبارات آمده است: «حمد و ثنای بیرون از حد و عد خدای عزوجل را که توفیق عطا فرمود رد بر مخالف در این سه مسأله که حرمت تریاک و رجحان گرفتن شارب که صوفی مبدع طوع عوام‌فریبی در آن کرده بود و کبیر بودن تناول مسکرات نوشته شد و صلی الله علی محمد و آل محمد و سلم و لعن الله عدو آل محمد من الجن و الانس آمین رب العالمین» (همان، ۷۶).

مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و مقایسه سه رساله فوق، در نظر دارد به پرسش‌های تحقیق به شرح ذیل پاسخ دهد: ۱. انگیزه و خاستگاه فکری نویسندگان رساله‌های مورد بررسی چه بوده است؟ ۲. وجوه اشتراک و تمایز بین رساله‌ها چیست؟ درباره پیشینه تحقیق باید گفت تاکنون مطالعه‌ای با شیوه تطبیقی درباره رساله‌های دخانیات فوق انجام نشده، اما در زمینه‌های مرتبط با این موضوع مقالات و کتب مختلفی نوشته شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مقاله‌ای به نام «اندیشه تحریم در رسائل سیاسی» توسط موسی نجفی نوشته شده که به بررسی اندیشه تحریم در کتب و رسائل سیاسی‌ای که بعد از تحریم تنباکو نوشته شده، پرداخته است؛ که بعضی از نویسندگان رسائل از شاگردان میرزای شیرازی بوده‌اند؛ مانند عبدالحسین لاری که رساله *هدایة الطالبین* را نوشته است. نویسنده در این مقاله دیدگاه‌های مختلف نویسندگان را تا پایان دوره قاجار گردآوری کرده است که معمولاً نویسندگان با کالاهای خارجی و فروش آن در ایران که باعث وابستگی و نفوذ بیگانگان می‌شده، به مبارزه برخاسته‌اند (نجفی، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۹). این مقاله به بررسی اندیشه تحریم در کتاب‌ها و رسائل پرداخته و از مطرح کردن عوامل دیگری که باعث روشنگری مردم شده، کمتر سخن گفته است.

مقاله‌ای به نام «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو» توسط مرشدی‌زاده و همکارانش نوشته شده است که چگونگی بسیج مردم در قیام تنباکو و ابزارهای این بسیج، مانند منبر و مسجد، روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها و همچنین به شیوه‌های بسیج مردمی علیه امتیاز، مانند بست‌نشینی، ارسال تلگراف و تحریم پرداخته است (مرشدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۷-۲۰۶). وی در این مقاله به واکنش توده مردم در قیام تنباکو پرداخته و خاطر نشان کرده که تحریم اصلی‌ترین شیوه مبارزه در این جریان بوده است. در این مقاله به‌طور مختصر همه جوانب قیام را بررسی کرده که درخور توجه است. مقاله‌های دیگری در این زمینه نوشته شده که در پاورقی به آن اشاره شده است.^۱

۱ مقاله‌ای با عنوان «روحانیت و نهضت تحریم تنباکو» توسط اصغر حیدری در مجله تاریخ معاصر نوشته شده است که در آن ابتدا به حضور بیگانگان و نفوذ فرنگ غرب اشاره دارد و سپس به نقش روحانیت در مبارزه با امتیاز رژی و هشدارهای میرزای شیرازی به ناصرالدین‌شاه پرداخته است. نویسنده در این مقاله به نقش زنان در قیام تنباکو و گسترش نهضت در شهرهای مختلف اشاره دارد (ن. ک: حیدری، ۱۳۸۶: صص ۷۷-۱۱۶). در مقاله‌ای با عنوان «میرزای شیرازی و حماسه تنباکو» نوشته

همچنین در زمینه تحریم تنباکو و وقایع مربوط به آن، کتاب‌هایی تدوین شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. کتابی با عنوان *اندیشه تحریم و خودباوری* توسط موسی نجفی نوشته شده است. نویسنده در این اثر از تأثیرگذاری حکم تاریخی میرزای شیرازی در دهه‌های بعدی و نقش آن در بیداری ایرانیان سخن گفته است. وی عقیده دارد که صدور این حکم و پیامدهای حاصله از آن، زخم‌هایی را که استعمار بر پیکره ایران وارد کرده بود، التیام بخشید. وی کوشیده است تا ثابت کند که اندیشه تحریم، در گسترش خودباوری و اعتماد به نفس ملی در نهضت بیداری اسلامی ایرانیان تأثیرگذار بوده است (نجفی، ۱۳۹۱). در این کتاب، نویسنده با استناد به اعلامیه‌ها، دستخط‌ها و سایر اسناد مرتبط با فتوای تحریم تنباکو، اندیشه تحریم را جریانی پیوسته دانسته است که ریشه‌های آن به قبل از قیام تنباکو برمی‌گردد و آن را عامل بیداری مردم و قیام‌های بعدی می‌داند، اما به تأثیر سایر عوامل، نظیر رساله‌های انتقادی، آثاری که زمینه روشنگری اذهان را در آن ادوار فراهم ساخت و به‌ویژه به نقش رخداد‌های خارجی و تأثیر حرکت‌ها و جنبش‌های مشروطه‌خواهی در سایر نقاط، چندان التفاتی نداشته است.

کتاب دیگری که به موضوع تحریم تنباکو پرداخته، کتاب *تحریم تنباکو و مشروطیت* نوشته غلامعلی عباس فردوئی است. نویسنده فصل دوم کتاب خود را به بررسی تحریم تنباکو و ارزیابی گستره آن در شهرهای مختلف ایران و بازتاب آن در خارج و داخل ایران اختصاص داده و به بررسی نقش تحریم تنباکو در پیدایش انقلاب مشروطه پرداخته است (عباسی فردوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۹۲). نویسنده دو نکته مهم را در اثر خویش مطرح کرده است؛ یکی نفوذ معنوی روحانیت و اطاعت‌پذیری مردم؛ و دیگری مقاومت منفی توده‌های مردم و استبدادستیزی آنها. این اثر سیر تاریخی وقایع مربوط به قیام تنباکو را به تصویر کشیده و

عبدالکریم تبریزی، به بررسی اقدامات میرزای شیرازی در مبارزه با نفوذ بیگانگان قبل از جریان تحریم تنباکو پرداخته شده و در ادامه نقش میرزا در زمینه تحریم تنباکو از زوایای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین شده است. وی در این مقاله به تبیین جایگاه فقه و فقهات در جامعه شیعه و نقش مرجعیت در جریان قیام تنباکو پرداخته و به زوایای اقتصادی و اجتماعی و دیگر عوامل تأثیرگذار کمتر اشاره کرده است (ن.ک: تبریزی، ۱۳۸۴: ۹-۱۹). مقاله‌ای با عنوان «جریان‌شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیرات آن در نهضت بیداری اسلامی» توسط موسی نجفی و سجاد نجفی به رشته تحریر درآمد که در آن به جریان‌شناسی تحریم و تأثیرات آن در تاریخ معاصر ایران پرداخته شده است. مؤلفان به نقش بی‌بدیل میرزای شیرازی در بیداری ایرانیان اشاره کردند و آن را در انقلاب مشروطه مؤثر دانسته‌اند (ن.ک: موسی نجفی و سجاد نجفی، ۱۳۹۱: ۱۸۰-۲۱۸).

چندان به تحلیل رخدادها و تبیین آنها نپرداخته است. در واقع می‌توان گفت نویسنده به توصیف وقایع بسنده کرده و در سطح تحلیل و تبیین چندان ورود نکرده است. پژوهش دیگری که در مورد تحریم تنباکو صورت گرفته، کتاب تبریز در نهضت تنباکو است که توسط صمدسرداری‌نیا نوشته شده است. نویسنده در این اثر ضمن بیان چگونگی واگذاری امتیاز به انگلستان و آوردن مفاد امتیاز، به جایگاه توتون و تنباکو در اقتصاد ایران پرداخته است. در این کتاب اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و به‌ویژه آذربایجان در آستانهٔ قیام تنباکو ارائه شده است. هدف نویسنده بیشتر تبیین نقش تبریز در این قیام است که در ضمن به معافیت آذربایجان از امتیاز رژی اشاره دارد. وی همچنین به نقش روزنامه اختر در بیداری مردم ایران تأکید دارد (سرداری‌نیا، ۱۳۷۷). این اثر در زمره مطالعات موردی است که رویدادهای تبریز را در جریان تنباکو محور مطالعه خویش قرار داده است و در ذکر رویدادها تقریباً نوعی جانبداری به چشم می‌خورد. کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در پاورقی به آن اشاره می‌شود.^۱ در مجموع می‌توان گفت در آثار گفته شده، تحریم تنباکو به عنوان خیزش سیاسی و اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نقش تحریم تنباکو در انقلاب‌های بعدی بررسی شده، اما در مقاله حاضر به بررسی تطبیقی سه رساله دخانیه از ابعاد فقهی، سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است.

بررسی عوامل انگیزشی مؤثر در تدوین رساله‌های دخانیات

پیشینهٔ حضور علما در تبیین مقررات مواد مخدر و موعظهٔ مردم در این زمینه، به دوران آقا محمدخان قاجار برمی‌گردد. او پس از منع شدید میگساری و به دنبال رواج استعمال تریاک در جامعه آن روزگار، از علما خواست بر ضد مواد مخدر و استعمال آن مردم را موعظه

۱ اثر دیگری که صرفاً به امتیاز توتون و تنباکو پرداخته، کتاب *تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران*، نوشتهٔ ابراهیم تیموری است. این اثر دربارهٔ امتیاز انحصاری تنباکو و وقایع مربوط به آن است که مؤلف ابتدا سابقهٔ انحصار تنباکو و دادن امتیاز به انگلیس را بررسی کرده و سپس مقاومت مردم ایران را توضیح داده و در پایان به نتیجهٔ قیام و فتوای میرزا شیرازی پرداخته است (ن.ک: تیموری، ۱۳۵۸). یکی دیگر از آثاری که در زمینه تحریم تنباکو به رشتهٔ تحریر درآمده، کتاب *اسناد سیاسی دوران قاجار* نوشته ابراهیم صفایی است. این اثر در ده بخش تنظیم شده است که بخش اول آن به معرفی اسناد قرارداد انحصار دخانیات اختصاص دارد. نویسنده تلاش کرده تا نهضت مقاومت مردم در برابر شاه و لغو قرارداد را به ضرر مردم ایران معرفی کند. وی لغو قرارداد را باعث بی‌اعتباری ایران و ناصرالدین‌شاه در برابر اروپاییان دانسته است. او عامل نهضت را تجار و دولت روسیه می‌داند. صفایی در اصالت تلگراف رسیده از سامرا، تشکیک دارد. وی نقش تجار و دولت روسیه در قیام تنباکو را پررنگ دانسته و نقش دیگر جریان‌ها و عوامل دخیل در قیام را کم‌رنگ جلوه داده است (ن.ک: صفایی، ۱۳۵۲: ۸-۸۷).

کنند (الگار، ۱۳۶۹: ۸۲). در دوره ناصرالدین‌شاه این حضور به دنبال واگذاری انحصاری امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکو شدت گرفت و منجر به فتوای تحریم آن و نگارش رساله‌های دخانیه شد که یکی از این رساله‌های تدوین شده رساله دخانیه شیخ حسن کربلایی است. نویسنده این رساله، همزمان با تحریم تنباکو در سامرا بوده و در جریان مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار خویش و پیامدهای جنبش تنباکو قرار داشته است. چنانچه آدمیت در مورد تاریخ دخانیه او می‌نویسد: «در میان نوشته‌های گوناگون راجع به امتیازنامه رژی تنها رساله دخانیه و اجازه کمپانی و تلگراف، تدوین شیخ حسن کربلایی را سراغ داریم که اصالت دارد و از جهات معین معتبر و درخور توجه است. او همزمان با وقایع رژی بوده و با پیشوایان مذهبی ارتباط مستقیم داشته است» (آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۴۴-۱۴۵). شیخ حسن کربلایی از شاگردان ممتاز میرزای شیرازی، اسماعیل صدر و اصفهانی فشارکی است که از فقها و فضیلا بنام سامرا و کربلا بوده‌اند و شخصیت شناخته‌شده‌ای در دانش‌های حوزوی به‌ویژه فقه داشته‌اند (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۰). او در کربلا متولد شد و دروس مقدماتی را در همان شهر خواند و حدود سال ۱۳۰۰ ق. به سامرا مهاجرت کرد و مدت مدیدی در درس مجدد شیرازی شرکت کرد. هنگامی که قضیه تنباکو پیش آمد، رساله‌ای به فارسی در نهایت زیبایی نوشت که اثری منحصر به فرد است و در سال ۱۳۱۰ ق. آن را خاتمه داده است. وی تا سال فوت میرزای شیرازی در کنار او بود و سپس به کربلا آمد و مصاحبت اسماعیل صدر را برگزید (تهرانی، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۲۰-۴۲۱).

عالم شیعی دیگری که در این دوره دست به تحریر رساله دخانیه زد، ملا محمد علی هیدجی است. او در سال ۱۲۷۰ ق. در قریه «هیدج» از توابع ابهر متولد شد. تحصیلات اولیه را در محل تولد گذراند و سپس در قزوین و تهران به تحصیل پرداخت و در تهران نزد میرزا حسین سبزواری و میرزا ابوالحسن جلوه تلمذ کرد (امین، ۱۴۲۰: ۱۰/ ۵۷). از آثار معروف وی تعلیقه بر منظومه حاج ملاهادی سبزواری است که به قول خودش مورد علاقه طلاب قرار گرفته است (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۳۵). همچنین وی در عتبات نزد میرزای شیرازی به تحصیل پرداخت و با دستی پر به تهران برگشت و در مدرسه منیریه مشغول به تدریس شد (فخیمی، ۱۳۷۶: ۲۴۷).

نویسنده دیگری که در این دوره به تحریر رساله دخانیه پرداخت، محمدباقر بیرجندی است که در سال ۱۲۷۶ ق. در روستای «گزار» از توابع بیرجند به دنیا آمد و پس از گذراندن

تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، در مدرسه «جعفریه» قاین نزد سید ابوطالب بن ابی تراب زانوی تلمذ زد (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷/۱). وی برای ادامه تحصیلات، با مساعدت اعتصام‌الملک به مشهد عزیمت کرد (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۳). آنجا نزد استادان مجرب به کسب فیض پرداخت و فقه را نزد میرزا هدایت‌الله ابهری آموخت. او عمده تحصیلات عالی خود را در نجف و سامرا گذرانید (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۲). در نجف اشرف، خارج اصول را نزد میرزا حبیب‌الله رشتی که از شاگردان شیخ انصاری بود، فرا گرفت (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۰۷). استاد اصلی وی در سامرا، میرزای شیرازی بوده که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ ق. نزد او به تحصیل پرداخته بود و در بین تمامی استادان خود تعلق خاطر خاصی به میرزای شیرازی داشته و با القاب شایسته‌ای او را می‌ستوده است. میرزای شیرازی نیز همواره شاگرد جوان خود را تشویق می‌کرد. محمدباقر بیرجندی کتاب وثیقه الفقهای خود را جهت بررسی به میرزای شیرازی داد و میرزا پس از خواندن کتاب، او را به نوشتن تشویق کرد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۷-۱۳). وی پس از اتمام تحصیلات در عتبات و زیارت مکه در سال ۱۳۰۵ ق. به ایران برگشت و در بیرجند اقامت کرد (رازی، ۱۳۵۲: ۲۶۶/۳).

کربلایی قصد خود از نگارش رساله دخانیه را عبرت‌آموزی برای آیندگان دانسته است؛ یعنی در واقع به نوعی وظیفه خود را انتقال موارث فرهنگی به نسل آینده از بُعد تربیتی آن دانسته که آیندگان از آن درس بگیرند و چراغ هدایتی فرا روی آنان باشد. وی می‌نویسد: «غرض اصلی ما از همه این رنج بردن‌ها که صورت این مکاتیب و سؤال و جوابات را به وسائلی چند با مشقت به دست آورده و عیناً می‌نگارم، این که در این مقام به فراخور حال خودمان خدمتی به رؤسای ملت کرده باشیم که رؤسای ملت در آینده ان شاء الله تعالی از ملاحظه خصوصیتی که این قصه مشتمل است، وضع و ترتیب طبیعی دخول در مطالب مهمه را با تجربه آموخته باشند» (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). آنگاه در ادامه، ضمن اشاره به اقدامات میرزای شیرازی مبنی بر هشدار و نصیحت به ناصرالدین‌شاه، از صدور فتوای تاریخی وی سخن می‌گوید (همو، ۸۰-۱۱۰).

هیدجی در نگارش رساله دخانیه با اتخاذ رویکردی تاریخی، انگیزه خویش را حفظ اسناد و مدارک و انتقال صحیح اخبار واقعه رژی به آیندگان جهت بهره‌برداری اصحاب اعتبار می‌داند و می‌گوید: «چون در باب تخصیص دخانیات به کمپانی انگلیسی میان حضرت حجة الاسلام آقا میرزا محمدحسن شیرازی و سلطان عجم ناصرالدین‌شاه و آقا میرزا حسن

آشتیانی، معاوضاتی کتابی و تلگرافی واقع گردید که الانصاف نظر در آنها برای اصحاب اعتبار فواید بسیار داشت و عده‌ای از دوستان از این حقیر خواستند که صورت وقایع را به ترتیبی که افتاده است بنویسم و جای هر یک را نشان داده و شأن نزول هر یک را بیان کنم. لذا جمله‌ای از کلمات و سخنان مشایخ گرامی را باب تبرک و تیمّن و پاره‌ای از مکاتبات و مکالمات دیگران جمع‌آوری کرده و به نحوی که آگاهی داشته نگاشتم و نامش را رساله دخانیه گذاشتم» (هیدجی، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

البته انگیزه نگارش محمدباقر بیرجندی بنا به نوشته او در رساله نصیح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه ادای تکلیفی است که خداوند بر دوش علما و دانشمندان برای بیان حق گذاشته است؛ چنان که می‌گوید: «چند کلمه‌ای است موسوم به نصیح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه که به جهت امتثال امر حضرت جبار و حدیث رسول مختار(ص) بر قلم قاصر تبهکار محمدباقرین محمدحسن نزیل البیرجند جاری شده» (بیرجندی، [بی‌تا]: ۱). با توجه به شیوع استعمال تریاک در منطقه بیرجند (هیل، ۱۳۷۸: ۳۷) و آگاهی نویسنده از مضرات آن و مطالعه رساله‌های متقدم در مورد دخانیات، وی بر خود فرض دانسته که حرمت تریاک را آشکار و تکلیف شرعی خود را ادا کند تا خود را از عذاب الهی برهاند؛ ولو اینکه بر اهل زمانه او گران آید و او را ملامت کنند (بیرجندی، همان، ۱). آنچه در انگیزه هر سه مؤلف مشترک است، آگاهی بخشی به جامعه است که هر سه نویسنده در رساله‌های خویش بر آن تصریح کرده‌اند.

بررسی رویکرد فقهی در رساله‌های دخانیات

محمدباقر بیرجندی در رساله نصیح الاستغاثه علاوه بر تحریم استعمال تریاک، حرمت شراب و تراشیدن ریش را نیز اثبات کرده است. او در حرمت مصرف تریاک، ابتدا به آیات قرآن استناد کرده و گفته است اگرچه در قرآن و احادیث به‌طور مستقیم در مورد حرمت استعمال این ماده چیزی نیامده، اما حکم کلی آن از دیگر موارد قابل استنباط است. برای مثال، در قرآن درباره حرمت اسراف و تبذیر و ضرر زدن بر جسم آیاتی نازل شده و حرمت آن ثابت شده است و از آنجایی که مصرف تریاک هم اسراف است و هم به جسم صدمه می‌زند، پس حرام است (همان، ۲۰). وی همچنین آیه ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره: ۱۹۵) را بر تریاکی‌ها انطباق می‌دهد و

می‌گوید: «شکی نیست که این ذلت‌ها و احتیاج که تریاک و شیرافکن^۱ و نگاری^۲ بر سر این نگارها می‌آورد، عین هلاک است» (بیرجندی، همان، ۲۷).

وی در تبیین مضرات تریاک، گاه به آیات قرآن (شواهد نقلی) و گاه به استدلال و آوردن براهین عقلی تمسک جسته است. چنان که در استدلال فقهی دیگری آورده است، تریاک مقدمهٔ محرمات دیگر واقع می‌شود و به همین دلیل حرمت دارد؛ از جمله مقدمهٔ باز داشتن از یاد حق، اسراف، مقدمهٔ نیاز به غیر و عدم رغبت به ازدواج که در مبحث اجتماعی خواهد آمد. همچنین حدیثی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که می‌فرماید: «مَا أَضَرَ بِالْبَدَنِ فَهُوَ قَمَارًا»؛ یعنی هر چیزی که به بدن ضرر می‌رساند، معصیت قمار را دارد که خداوند آن را با خمر و انصاب بیان کرده و فرموده است خمر و انصاب رجس و از عمل شیطان است، پس تریاک هم چنین حکمی دارد و در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که خداوند حرام نفرموده شراب، مردار خوردن و گوشت خوک را، مگر برای مصلحت خلق و دانست آن را که ضرر دارد به ایشان، پس آن را حرام فرمود. سپس گفت معلوم است که هر چیزی که به بدن ضرر رساند حرام است که تریاک هم از این قاعده مستثنی نیست (همان، ۳۱). محمدباقر حکم تریاکی‌ها را همسان سفها دانسته و با استناد به آیه (لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا) (نساء: ۵) آنها را از تصرف در اموالشان منع کرده است (بیرجندی، همان، ۳۱).

گفتنی است در رساله دخانیه کربلایی و رساله دخانیه هیدجی رویکرد تاریخی غالب است.

رویکرد سیاسی در رساله‌های دخانیه

هیدجی در رساله‌اش وقوع تحریم تنباکو را امری دفعی نمی‌داند، بلکه مانند یک مورخ حوادث و رخدادهایی را که به زمینه‌سازی جنبش تنباکو منجر شده است، مورد بررسی قرار می‌دهد. از مطالعهٔ متن رساله هیدجی چنین برمی‌آید که او یک سیاستمدار آشنا و آگاه به سیاست‌های ایران و جهان و نقش استعمار در اعمال سلطه بر کشورهای اسلامی بوده است. رویکرد سیاسی وی در جای‌جای رساله دخانیه‌اش دیده می‌شود. او وقایع سیاسی را که قبل از

۱ شیرافکن همان شیره تریاک است که در گویش محلی بیرجند شیرافکن گفته می‌شود. شیره تریاک را هم از تریاک و هم از سوختهٔ تریاک می‌توان به دست آورد (ن. ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۹/ ۱۲۹۵۰).

۲ ابزار شیره‌کشی است (ن. ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳/ ۲۰۰۸۰). در گویش محلی بیرجند همان چراغ قلیان یا قلیان شیره است.

جنبش در شیراز و تبریز علیه امتیاز انحصاری دخانیات اتفاق افتاده، به ترتیب وقوع نگاشته است. چنان‌که دربارهٔ اعتراض مردم تبریز می‌گوید: «هرچند مردم تبریز به شاه عریضه دادند و گفتند که این امر خلاف منافع ملت است، هیچ‌گوشی شنوا نبود. لذا عریضه‌ای به این مضمون به شاه نوشتند که بر رأی مبارک پوشیده نیست که در جنگ روس، ما خود این ولایت را از چنگ روس درآوردیم و ما به میل و رغبت خود تو را به سلطانی قبول نموده‌ایم تا پشتیبان دین باشی و به ملت اهانت نرسانی. اما هنگامی که بنای تو بر این است که کفار را بر مسلمین مسلط نمایی ما تو را لازم نداریم. تو لایق سلطنت نیستی. برو با توله و تازی و ملیجک بازی کن و هر چه هم از دست برآید کوتاهی مکن. ما از ستم تو به ستوه آمده با جان خود بازی می‌کنیم (هیدجی، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۲۰).

نیکمی کدی در این باره می‌گوید آگهی‌های شرکت رژی در شهر را کردند و اعلان‌های خود را نصب و تهدید کردند که اگر کارمندان ایرانی رژی استعفا ندهند کشته خواهند شد (کدی، ۱۳۵۶: ۱۲۱).

همچنین هیدجی در ادامهٔ بحث، سخن از عکس‌العمل شاه و درباریان به میان می‌آورد که دیدگاه سیاسی او را در آن می‌توان مشاهده کرد. وی می‌گوید هنگامی که مردم تبریز نامه‌ای تند و اهانت‌آمیز به شاه نوشتند، شاه تغیر و تشدد آغاز کرد، ولی پس از شنیدن رأی درباریان و اینکه به او گوشزد کردند آذربایجان ولایت کوچکی نیست، سواران خون‌خوار و کارآزموده دارد، وانگهی سربازان از خود مردم هستند و به روی آنها تیر نخواهند زد، شاه ترسیده و دستخط صادر نمود که ولایت آذربایجان معاف و باقی بلاد کمپانی تنباکو را کفاف است (هیدجی، همان، ۱۲۱). چنانچه در این باره ابراهیم صفایی در کتاب *اسناد دوران قاجاریه* می‌نویسد: ناصرالدین‌شاه نوشت «در کار آذربایجان هر نوع تسهیلات که بخواهند می‌کنم؛ مثلاً حرف آنها در فرنگی است. مأمورین فرنگی را برمی‌دارم سهل است. از خارج مذهب هیچ نمی‌گذارم، کارهای آذربایجان را به خود آذربایجانی‌ها رجوع می‌کنم» (صفایی، ۱۳۵۲: ۱۹).

هیدجی هر آنچه را که از وقایع دیده و شنیده، بدون کم‌وکاست نقل کرده است؛ اعم از ریشه‌های جنبش و چگونگی آن و نتایج مترتب بر آن. در بیان واقعیت‌های تاریخی کاملاً همه‌جانبه‌نگریسته و ملاحظه‌کسی و یا مقامی را نکرده است. او در اوج مقام عرفانی و عظمت روحی، به هیچ چیز و هیچ کس اعتنا نداشت و به همین سبب به برخی از اشخاص

معاصر و دولتمردان مقارن خود طعنه‌های تندی زده که قسمتی از آنها در این رساله آمده است؛ چنان که می‌گوید: «عمده اسباب ضعف دولت ایران همین است که کار را به سزاوارش نمی‌دهد و در عملی استحقاق و استعداد صاحبش را نمی‌سنجد. مثلاً سرهنگی را به کسی می‌دهند که از صدای تفنگ می‌ترسد و سرکردگی به کسی دهند که در پشت اسب می‌لرزد. کودکی را می‌کنند مستوفی‌الممالک و قیاس سایر کارها نیز کذلک» (هیدجی، همان، ۱۴۶-۱۴۷).

در رساله دخانیه کربلایی، رویکرد سیاسی نیز وجود دارد. او علاوه بر اینکه از فقهای بلندپایه بود، بسان مورخی توانا و چیره‌دست در نگارش تاریخ دخانیه عمل کرده و اسلوب نگارش متون تاریخی را تا حدود زیادی رعایت کرده است. وی در بیان سرگذشت جنبش تنباکو، بحث را با کلیات شروع کرده و قدم به قدم وقایع را دنبال کرده و تا رسیدن به نتایج قطعی پایه‌های حوادث، کتاب خود را پیش برده است. وی در این اثر علاوه بر نقل وقایع، جهت‌گیری‌های فکری خود را که برخاسته از متن واقعیات موجود در جامعه بوده، بیان کرده است (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶).

کربلایی در رساله‌اش رویکرد سیاسی به قضیه تنباکو دارد و بیان واقعیت‌ها را از حیث سیاسی پی می‌گیرد؛ چنان که می‌گوید: «در شبی که قرار بود فردای آن روز کمپانی عملیات اجرایی خود را شروع کند مجلس جشن باشکوهی ترتیب دادند. تمام سفرای خارجه و سایر فرنگیان مقیم دارالخلافه دعوت بودند. بسیاری از اعظام رجال دولت ایران دعوت نموده و به رغم مسلمانان و ظفری که فرنگستان بر ایران یافته، آن شب را عیشی عظیم گرفتند و در فردای همان شب به کمال استقلال و اقتدار شروع به کار کردند. نخست برای دروازه‌ها و کاروانسراها همه جا گماشتگان معین داشت که اجناس دخانیه را از جایی به جایی نقل ندهند» (همان، ۱۳۶). یا در جای دیگر می‌آورد، اولین شهری که رسماً علیه تنباکو دست به تحریم زد، اصفهان بود. علمای بزرگ برای رفع این فتنه بزرگ هرچه چاره‌اندیشی کردند، ره به جایی نبردند. استدعای علمای اسلام نزد رؤسای دولت سودی نداشت. سهل است که التماس رئیس علمای اسلام و اقداماتی که آن حضرت^۱ در این خصوص به ظهور رسانید، از هیچ روی

۱ منظور از رئیس علمای اسلام در اصفهان آقا نجفی اصفهانی است. وجود وی در اصفهان سرفصل مبارزات علیه امتیاز رژی محسوب می‌شود. ناصرالدین‌شاه درباره او از ظل‌السلطان حاکم اصفهان توضیحی می‌خواهد. او هم از حرکات آنها و اینکه استعمال دخانیات را حرام اعلام کرده‌اند و ضعف خود برای شاه گزارش می‌دهد (ن.ک: بامداد، ۱۳۵۳: ۳۲۶۳-۳۲۷).

در مزاج دولت اثر نکرد. سرانجام علمای اصفهان به این نتیجه رسیدند که یکسره از استعمال دخانیات ممتنع گشته و باب دادوستد این اجناس در مملکت یکسره مسدود گردد. این بود که علمای اصفهان مسلمانان را از خرید و فروش منع کردند. مردمان متدین و معقول منع ایشان را پذیرفتند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۲۳). صفایی در همین زمینه می‌نویسد: آقا نجفی و شیخ محمدعلی اعلانات چندی درب مساجد و معابر چسبانده‌اند و استعمال تنباکو را حرام و حمایت‌کنندگان فرنگی را مرتد و عملجات دخانیات را نجس خوانده‌اند (صفایی، ۱۳۵۲: ۴۱).

البته بیرجندی در رساله *نصح الاستغاثه* به گونه‌ای دیگر در این باره سخن گفته است. او سعی می‌کند از باب فقهی حرمت تریاک را اثبات کند و موضع ضد کفار را در رساله خود بیان می‌کند. وی در رساله *نصح الاستغاثه* می‌نویسد امام صادق (ع) فرمودند خدای عزوجل وحی فرمود به نبی از انبیاء که بگو به مؤمنین که «لاتلبسوا ملابس اعدائی و لاتطعموا مطاعم اعدائی و لایسلکو مسالک اعدائی فتکونو اعدائی کما هم اعدائی» (شیخ صدوق، ۱۳۹۲: ۲۵۲/۱)؛ یعنی می‌پوشید ای مؤمنین لباس دشمنان مرا و طعام خود مسازید طعام دشمنان مرا و سلوک مکنید راه‌هایی که دشمنان من می‌روند که اگر چنین کنید شما نیز دشمنان من خواهید بود. بر همین اساس، محمدباقر عقیده دارد که چون استعمال تریاک مسلمین را به کفار شبیه می‌کند و زیر سیطره آنها می‌برد، حرام است (بیرجندی، [بی‌تا]: ۷۱-۷۲). یا در جای دیگر از قول پیامبر حدیثی نقل می‌کند که: «هرگاه اهل بدعت را بعد از من ببینید بیزاری از ایشان را ظاهر کنید و بسیار بد بگویید، ایشان را به جواب شافی رد کنید تا اهل اسلام را فاسد نکنند که از برای شما در آن حسنات و ریختن سیئات است» (همو، ۷۳).

وی مصرف تریاک را از آن جهت که بدعت دشمنان اسلام است، حرام اعلام می‌کند. محمدباقر بیشتر سعی کرده از بُعد اجتماعی و فقهی به مسئله استعمال تریاک و حکم کلی آن بپردازد. یکی از دلایل مقابله او با استعمال تریاک که از طریق نگارش رساله صورت گرفته، رواج استعمال تریاک در منطقه و معضلات ناشی از آن بوده است. یافته‌های تاریخ شفاهی در منطقه، مبین این است که دولت بریتانیا روش‌های گوناگونی را به منظور رواج این ماده مخدر انجام داده است. دلیل این مدعا خرید سوخته تریاک از مردم بوده که شیوع اعتیاد را به دنبال داشته است (رجبی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۳۶-۲۳۷). چنان‌که *روزنامه خورشید* که یکی از روزنامه‌های مهم خراسان بوده، یکی از دلایل خرابی خطه قاینات را مصرف شیره تریاک

بیان کرده (روزنامه خورشید، ۱۳۲۵: ۲-۳) و محمدباقر بیرجندی نیز با مشاهده این وضعیت، حکم به حرمت تریاک داده است.

در رساله کربلایی، بُعد ضد استعماری رساله بسیار قوی و پررنگ است. وی در این رساله ضمن استناد به آیات قرآن و احادیث، بر دفع شر بیگانه و استعمارستیزی تأکید می‌ورزد؛ چنان که برای دفع شر و مضرات ارتباط با بیگانگان - که استعمال دخانیات را مصداق آن می‌داند - گفته است از اینجاست که در متن آیات کریمه قرآن و احادیث شریفه اولیای دین، با اصرارهای بلیغ و منیع از جهت مودت و مراودت و معاشرت با خارج ملت رسیده، چنان که در سوره ممتحنه می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ) (ممتحنه: ۱). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زنها را دشمن من و دشمن خودتان را دوستان برای خودتان اختیار نکنید. وی به استناد آیه فوق، عمده رژی و انگلیس‌ها را به دیده دشمن می‌نگرد و ترک دوستی آنها را که همانا لغو قرارداد است، مطرح می‌کند (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۲۶۹-۲۷۰). کربلایی علاوه بر توضیحاتی که خود درباره چگونگی و دلایل صدور حکم تحریم بیان می‌کند، اسناد متعددی را که از سوی فقیهان در این زمینه صادر شده، در رساله آورده است. توضیحات و اسناد مذکور به روشنی بیانگر آن است که مبانی نظری این قیام ضد استعمار غرب، به قواعد فقهی ناظر به کفار برمی‌گردد (جوادزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۴۹). چنانچه در رساله خود می‌گوید نخستین بهره و فایده‌ای که از ارتباط، دوستی و مراوده با غربیان برای مردم ایران به وجود آمد، شیوع کالای فرنگستان است و پیامد ازدیاد مصنوعات غربی این بود که بسیاری از شعب بزرگ و عمده صنایع ایران که سرمایه توانگری مملکت بود، یکسره باطل و خلق کثیری از مردم ایران که ارباب این صنایع بودند، با عده‌ای بالمره از کار افتاده و عاطل ماند (اصفهانی کربلایی، همان، ۳۷-۳۸). وی در جایی دیگر می‌آورد این خلق فرنگیانی که در ایران گرد آمده‌اند، بر روی هم رفته هر یکی چندین نفر زن و مرد را خدمتکار خود گرفته‌اند؛ خاصه زنان مسلمان را که برای خدمت خانه و دایگی اطفال به تطمیع مزد و مواجب گران به خانه برده بودند. چنانچه در تهران از هر گوشه و رهگذری که می‌گذشتی هی زن مسلمان بود که یکی دو طفل فرنگی در بغل گرفته، بسا می‌شد که یکی و دو از دنبالش به زبان فارسی، نه نه جان نه نه جان گویان می‌دیدند. این زنان چون در دینداری قوی نبودند، پس از مدتی به رنگ فرنگی درمی‌آمدند و روزه و نماز را به کناری می‌نهادند و علانیه در تهران روزه می‌خورند و کسی را یارای تعرض

به آنها نبود و اگر کسی ملایم آنها را نکوهش می‌کرد، می‌گفتند عیسی به دین خود و موسی به دین خود (همان، ۸۷-۸۸).

هیدجی در رساله خود در جریان نقل وقایع تحریم تنباکو، موضع ضد استعماری پرننگی بسان کربلایی دارد که البته به محل سکونت آنها، ارتباطشان با میرزای شیرازی و آشتیانی و اینکه در متن حادثه بوده‌اند، برمی‌گردد. هیدجی که خود در میان مردم تهران بود و با علما حشر و نشر داشته است، ضمن اشاره به تلگراف میرزای شیرازی به ناصرالدین‌شاه، می‌نویسد: «هنگام تطاول ترسایان به مسلمانان و تسامح امراء و رؤسای ایران و کشیدن راه‌آهن و کار بانک و انحصار تنباکو به مرز انگلیس غوغای فارس و نفی «جناب آقا سید علی اکبر» از شیراز و آگاه نمودن شهriار تبریز به پاره‌ای مفساد این کار و سوء تدبیر وزرا... مرحوم آیت‌الله شیرازی تلگرافی توسط نایب‌السلطنه برای ناصرالدین‌شاه فرستاد تا آنکه از خیرگی سلطان و چیرگی فرنگ، مردم به تنگ آمده، خدمت سرکار حجت‌الاسلام تظلم و تشکی نمودند» (هیدجی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). در همین مورد، در روزنامه *خاطرات اعتمادالسلطنه* آمده است: هرگاه سه ماه قبل که جناب میرزا تلگرافی به توسط نایب‌السلطنه به حضور شاه زده بود، اگر جواب به قاعده داده بودند، حالا فتنه برپا نمی‌گشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۷۸۰/۱۱).

هیدجی در آغاز رساله خود، درباره تسلط فرنگی‌ها بر ایران چنین می‌گوید که عمال دولت را به کارهای بیهوده سرگرم نمودند و مردم را شناختند و در اندک زمانی به پست‌های حساس دسترسی پیدا کردند. یکی به داروغگی دارالخلافة و دیگری به معلمی دارالخلافة رسید. برخی مشاق سپاهیان و برخی سبحان گناهیان. باری متصدی گمرکات شدند، بدکیشی مباشر دریا و بیشه، حبشی رئیس جمعی از صاحبان پیشه، آن یک سلطان قورخانه و دیگری سگ سرهنگ توپخانه. یکی به طبابت حضور اختصاص یافت، یکی از جهت تنباکو و توتون امتیاز گرفت. خلاصه هر یکی کاری گرفت و کوچه و بازار پر از سکنه و کسبه کفار شد (همان، ۱۱۵-۱۱۶). رویکرد ضد استعماری هیدجی در جای جای رساله او با عبارت متفاوت موج می‌زند.

رویکرد اجتماعی

شیخ محمدباقر بیرجندی در رساله *نصح الاستغاثه* از جنبه‌های مختلف اجتماعی به قضیه مصرف تریاک و شیرافکن نگاه کرده است. او با استناد به آیات قرآن و پیامدهای اجتماعی و

زیستی تریاک، حکم به حرمت آن داده است. از بُعد ثواب اخروی که در احادیث برای ازدواج دائم و موقت آمده، به مسئله تریاک و شراب اشاره کرده که استعمال تریاک که به منزله شراب است و بلکه مفسد آن از شراب بیشتر است، مانع از آن ثواب‌های مقرر می‌شود و کسی که تریاک استعمال می‌کند این ثواب‌ها را از دست می‌دهد؛ چون تمایل به ازدواج پیدا نمی‌کند و اگر هم متأهل است کمتر می‌تواند به اهل و عیال خود برسد (بیرجندی، [بی‌تا]: ۱۵).

او استعمال تریاک را مسبب مفسد زیادی از جمله بی‌غیرتی می‌داند؛ چنان که می‌گوید: چه بسا که دو نفر نامحرم سر بر یک بالشت گذارند و به استعمال آن پردازند که چه مفسده‌هایی به دنبال دارد و چه بسا که این امر باعث جدایی زن و مرد از یکدیگر و فروپاشی خانواده شود (همو، ۶۹). همچنین وی از جنبه اسراف و تبذیر به قضیه مصرف تریاک نگریسته و بر این عقیده است که استعمال آن نوعی اسراف و تبذیر است و این امر باعث می‌شود فرد مُسرف عیال خود را محتاج به دیگران بگذارد (همو، ۲۷). با توجه به اینکه شخص معتاد هزینه زیادی برای استعمال تریاک می‌پردازد، لذا نیازمند دیگران می‌شود و باعث عدم مسئولیت‌پذیری می‌شود (همو، ۲۲).

دلیل اجتماعی دیگری که وی برای حرمت استعمال تریاک می‌آورد این است که مصرف آن باعث تضعیف قوای جنسی می‌شود و این مسئله باعث کاهش تمایل به ازدواج شده که در نهایت از تشکیل خانواده که در اسلام سفارش‌های بی‌حد شده است، ممانعت می‌شود و این امر نیز به دنبال خود چندین پیامد منفی دارد. اولاً باعث کاهش جمعیت مسلمانان می‌شود و زمینه نفوذ بیگانه را فراهم می‌کند؛ ثانیاً باعث سست شدن بنیان خانواده می‌شود؛ زیرا استعمال تریاک اختلاف اعضای خانواده را به دنبال دارد (بیرجندی، همان، ۲۳). دلیل سوم که وی از حیث اجتماعی برای حرمت تریاک می‌آورد، این است که تریاک باعث آبروریزی و از بین رفتن عرض مسلمان می‌شود که در اسلام حفظ آبروی مسلمان از وظایف برادران دینی محسوب می‌شود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ (حج: ۳۸) و یا در خصال صدوق روایتی آمده که مقدس‌ترین سرزمین، کعبه مکرمه است به گونه‌ای که بدون توجه به آن نماز باطل است و حیوانی که به آن سو ذبح نشود، حرام است. تکریم و احترام کعبه بر همه واجب است؛ بنابراین همان‌طور که تخریب کعبه حرام و گناه بزرگی است، تخریب مؤمن و اهانت به او نیز گناه بزرگی است

(شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۲/۲۷). با توجه به اینکه محمدباقر وضعیت اسفبار تریاکی‌های زمانه خود را می‌دیده، حکم به حرمت تریاک داده و گفته است: «اکثر تریاکی‌های عصر ما که می‌بینیم که خود را به چه فلاکت‌ها و مهانت‌ها می‌اندازند و چه مال‌ها و عرض‌ها بر باد می‌دهند سفیهانند» (بیرجندی، همان، ۲۵). بر این اساس، مؤلف رساله نصیح الاستغاثه اعتقاد دارد که بر مجتهدین واجب است معتادان را از مالشان حجر کنند و مخارج روز به روز به اقتصاد به ایشان بدهند (همو، ۲۶). همچنین وی می‌گوید: «شکی نیست که این ذلت‌ها و احتیاج که تریاک و شیرافکن و نگاری بر سر این نگاره‌ها می‌آورد، عین هلاکت است» (همو، ۲۷). او بر این عقیده است که آخر کار تریاکی‌ها دزدی و زیادتی در فجور است که رویکرد اجتماعی آن را کاملاً بیان می‌کند (همو، ۲).

چهارمین دلیل اجتماعی که برای حرمت این ماده مخدر می‌آورد این است که معتاد چون نیازمند می‌شود، گرفتار تناول از هر حرامی می‌شود و افتادن به ورطه حرام هم که چه پیامدهای منفی در جامعه اسلامی دارد و چه نتایج سوئی در آخرت به دنبال دارد (همو، ۳). پنجمین دلیل اجتماعی وی برای حرمت استعمال تریاک، تبلی و کسالتی است که در نتیجه استعمال آن به انسان دست می‌دهد. او اعتقاد دارد که چون تریاک و شیرافکن با آن وصف که می‌دانی، تغییر خلق‌الله می‌دهد و انسان را به حالتی درمی‌آورد که از خود بیخود می‌شود و به حرام‌های دیگر می‌افتد و اجتماع را به فساد می‌کشاند، حرام است (همو، ۵۶-۵۷).

وی از بُعد سلامت جسمانی و روانی نیز به مصرف تریاک نگریسته و حرمت آن را به اثبات رسانده است. وی می‌گوید «دلیلی که صراحتاً دلالت می‌کند بر حرمت تناول این ملعون (تریاک)، بجمیع شئون آن است که در آن ضرر به بدن بلکه به غیرت و عقل و ایمان و قوه باه است و خدا و ملائکه و مؤمنون بر آن گواه است و صورت این طایفه از آن سیاه و کار ایشان تباه است» (همو، ۳۰)؛ که «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (رحمن: ۴۱).

او در این رساله می‌آورد این ملعون حبّ زنان را کم می‌کند و مقدمه کاهش جمعیت می‌شود و از آفت‌های این ملعون آن است که نسل را قطع و یا کم می‌کند و از طرف دیگر، در احادیث ما آنقدر فضیلت در حیات و ممات اولاد است که حد ندارد (بیرجندی، [بی‌تا]: ۳۱).

در رساله دخانیه وی نیز رویکرد اجتماعی به چشم می‌خورد. برای نمونه، او در رساله خود آورده است هنگامی که مقرر شد مردم توتون خود را به کسی غیر از کمپانی ن فروشند

و در صورت عدم رضایت صاحب مال به قیمت کمپانی، او نمی‌توانست به دیگری بفروشد، عده‌ای مردم از جمله در شیراز توتون خود را آتش زدند و یکی از معتمدین فارس که صاحب املاک و مزارع بسیار بود و دوازده هزار کیسه توتون در انبار داشت، با فرنگیان بر سر قیمت به توافق نرسید و یک روز را مهلت خواست و شبانه همه را در میدان کومه کرد و آتش زد و این‌گونه اعتراض خود را به آنها نشان داد (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). وی همچنین روایت کرده است هنگامی که شایع شد میرزا حسن آشتیانی به دستور حکومت شهر را ترک خواهد گفت، غوغایی به پا شد و عده‌ای از زن‌ها روانه بازار شدند و در مغازه‌ها را بستند و بر سر خود گل ریختند و عده‌ای از مردم گریه‌کنان روانه خانه میرزا حسن شدند و وا اسلاما سر دادند (همو، ۱۹۵-۱۹۸) و بر اثر انتشار این خبر «در شهر غلغله‌ها و غوغایی به پا شد که در تصور نمی‌گنجد» (همو، ۲۰۰). قهرمان میرزا در همین زمینه می‌نویسد: حدود دوهزار نفر مرد و زن در خانه میرزا و اطراف تجمع و بر تبعید او اعتراض کردند (سالور، ۱۳۷۴: ۴۳۷/۱). در رساله کربلایی، از تأثیرات فرهنگی فرنگیان بر آداب و رسوم و تفکر ایرانی‌ها نیز سخنانی به میان آمده و او از استحاله فرهنگی ایرانیان نمونه‌هایی را بیان کرده و گفته است بر اثر ارتباط با فرنگستان، افکار فرنگی هر روزه در نظرها رونقی تازه گرفت و به تدریج مقام فرنگیان در ایران خیلی بلند و متنسب فرنگستان کلاً خیلی رل پسند افتاده و بدین ترتیب هر کار فرنگی و فرنگی‌مآبی در ایران رواج یافت و بازار اسلام و مسلمانی کاهش یافت تا جایی که بسیاری از منکرات اسلامی از نظر افتاد (همو، همان، ۴۴).

در رساله دخانیه هیدجی، رویکرد اجتماعی در برخی موارد وجود دارد که تفاوت‌هایی با رویکرد بیرجندی دارد. نمود رویکرد اجتماعی این نویسنده، درباره حضور پررنگ مردم در صحنه مبارزه علیه استکبار دیده می‌شود. برای مثال، می‌گوید: هنگامی که کمپانی رژی شروع به کار کرد و طبق بخشنامه دولت همه تجار مجبور بودند در زمینه خرید و فروش فقط با عاملان شرکت تجارت کنند، مردم اعم از تجار و کشاورز و کاسب به فریاد آمدند و هرچند که به دربار خود تضرع و الحاح نمودند سود نبخشید و هرچند که نامه به شاه نوشتند که ثلث مردم ایران از راه خرید و فروش و تولید توتون و تنباکو ارتزاق می‌کنند، لذا با این کار یک‌سوم مردم از نان خوردن می‌افتند، شاه التفاتی نکرد (هیدجی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). یا ندارد (تیموری، ۱۳۵۸: ۱۵۰ و ۱۵۴)، هیدجی می‌نویسد «این چه اصراری است که مردم قلیان

بکشند. خوب بود این غمخواری را از جهت رعیت در باب نان و گوشت و دیگر چیزها می‌کرد که مردم از گرسنگی نمیرند. غصه آن دارد که بر رعیت از بی‌قلیانی بد بگذرد اما در امر نان که مایه زندگانی است هیچ نمی‌گوید که چرا به این گرانی است و گوشت از چه پیدا نمی‌شود؟» (هیدجی، همان، ۱۴۸). یا نمونه دیگری از رویکرد اجتماعی مرحوم هیدجی را در قضیه شکستن قلیان‌ها می‌توان پی گرفت؛ چنان‌که آورده است بعد از صدور فتوای تحریم، به یکباره مردم قلیان‌ها را کنار گذاشتند. بسیاری از کسانی که گمان نمی‌رفت بتوانند بدون قلیان باشند، به رغبت آن را رها کردند و «اکثر مردم از عام و خاص آلات و اساس دخانیه را شکستند و دور انداختند» (همو، ۱۲۶).

رویکرد اجتماعی کربلایی و هیدجی با صاحب رساله *نصح الاستغاثه* کاملاً متفاوت است. رساله *دخانیه کربلایی* و هیدجی به حضور پرشور مردم شهرهای بزرگ در لغو امتیاز تنباکو و نقش آنها در این واقعه تأکید دارند و گاهی به تغییر روحیه مردم و رواج اندیشه غربی و غرب‌گرایی مردم و استحاله فرهنگی آنها نیز پرداخته‌اند. کربلایی در سامرا به اسناد و مدارکی که از ایران به بیت میرزای شیرازی می‌رسیده، دسترسی داشته است (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۸) و هیدجی در تهران در متن حادثه بوده و حضور مردم را گزارش داده است، اما شیخ محمدباقر در این رساله گزارش تاریخی نمی‌دهد. آنچه که وی در رساله خود آورده، این است که براساس رویکردهای اجتماعی، در نقش یک فقیه و مجتهد با استناد به قرآن و احادیث براساس فقه استدلالی حرمت تریاک را اثبات کرده و اصلاً به تاریخ‌نگاری نپرداخته است. او به صورت جامع از زوایای اجتماعی گوناگون، مانند کاهش جمعیت، تنبلی، فسق و فجور، ضرر به بدن و عقل، به تریاک نگاه کرده و به دلیل پیامدهای ناگوار این ماده برای جامعه و روح و جسم انسان، آن را حرام اعلام کرده است، اما کربلایی و هیدجی پیامدهای فتوای تحریم میرزای شیرازی را همراه با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی صدور این فتوا بررسی و تحلیل کرده‌اند.

خاستگاه اندیشه محمدباقر بیرجندی در زمینه حرمت تریاک

شیخ محمدباقر بیرجندی در سال ۱۳۰۰ق. به سامرا رفت و نزد میرزای شیرازی زانوی تلمذ زد (تهرانی، ۱۳۶۳: ۱۱۶). وی یکی از شاگردان ممتاز و مورد توجه میرزای شیرازی بود که از طرف او به نگارش آثار علمی تشویق شد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۳/۲). شیخ محمدباقر شاگرد

مکتب اصولی سامرا بوده است. مکتب سامرا نامی است که بر شیوه علمی جمعی از فقها و محدثان امامیه در قرن سیزده و چهارده قمری اطلاق می‌شود. این شیوه علمی جدید، با هجرت میرزای شیرزای از نجف به سامرا شکل گرفت و ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد؛ از جمله اینکه بر پژوهش و شاگردمهوری متکی است (مفید، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۳). در این مکتب فکری، آموزش بر پایه ژرف‌نگری در مسائل و نظریه‌پردازی به جای تمرکز بر نقل دیدگاه‌های دیگران بود. نزد میرزا تفکر از اهمیت خاصی برخوردار بود. در این مکتب، پژوهش جایگاه ویژه‌ای داشت. میرزای شیرزای برای نگارش ارزش زیادی قائل بود. از دیگر ویژگی‌های مکتب سامرا بیان ساده و قلم شیوا، گرایش به عرفیات، تقدم فقه بر اصول و توجه به مسائل سیاسی روز بود (دارابی، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۵).

به نظر می‌رسد تأثیرات فقهی که استاد بر شاگرد به جا گذاشته، در صدور این حکم و نوشتن رساله بی‌تأثیر نبوده است؛ زیرا چهار سال بعد از ورود او به بیرجند، یعنی در سال ۱۳۰۹ق، قضیه تحریم تنباکو پیش آمد. شیخ محمدباقر در سال ۱۳۰۵ق پس از تحصیل در سامرا و نجف، به ایران برگشت (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۷۸). در رساله محمدباقر ردّی پایی از تحریم تنباکو توسط میرزا حسن شیرازی دیده نمی‌شود، اما با توجه به ارادتی که محمدباقر به میرزای شیرازی داشته، اندیشه‌های شیرازی در این زمینه در او بی‌تأثیر نبوده است؛ به‌ویژه آنکه محمدباقر از بُعد فقهی به حرمت تریاک نگاه کرده و به عرفیات پرداخته است. مطالعه رساله‌های دخانیه‌ای که قبلاً نوشته شده، در شکل‌گیری اندیشه او مبنی بر حرمت تریاک اثرگذار بوده است. از جمله رساله دخانیه عزالدین شیرازی که در سال ۱۰۴۸ق نوشته شده است. شیخ محمدباقر در پایان رساله *نصح الاستغاثه* از این رساله نام برده و آن را نقد کرده است. او بر این عقیده است که رساله عزالدین شیرازی درباره دخانیه خوب است، اما براهین او برای اثبات حرمت افیون کافی نیست (بیرجندی، [بی‌تا]: ۶۵). عزالدین شیرازی به زهد و تقوی شهرت داشته که در دوره شاه‌عباس به دستور «خلیفه‌سلطان» وزیر شاه‌عباس، به مقام شیخ‌الاسلامی اصفهان منصوب می‌شود و تا زمان فوتش (۱۰۶۰ق) در این سمت می‌ماند (افندی، ۱۳۸۹: ۴/۲۷۱). با توجه به ذکر نام مصنفان رسائل دخانیه متقدم در پایان رساله فوق، پیداست که رساله‌های قبلی را دیده و خوانده و مبانی نظری اندیشه‌اش از آنها تأثیر پذیرفته است. وی از رساله‌های کسانی چون مولی خلیل قزوینی، سید نصرالله حائری، فخرالدین نجفی و شیخ حر عاملی و شیخ علی بن سلیمان البحرینی و سید جزایری نام می‌برد

(بیرجندی، [بی تا]: ۷۶). یکی از براهینی که مبنای تأثیرپذیری محمدباقر از رساله‌های پیشین است، ارجاعات او به رساله‌های قبلی است؛ چنان که می‌نویسد «شیخ حر عاملی در فوائد الطوسیة نیز نقل و قول بحرمت در قهوه و قلیان فرموده و فرموده احتیاط مقتضی ترک است من احتیاط می‌کنم» (همو، ۷۵). همچنین می‌نویسد سید جزائری در *انوار* آورده است دلایلی که عزالدین شیرازی برای حرمت قلیان ذکر کرده، کافی نیست؛ و یا در جای دیگر می‌نویسد سید جزائری در *الربیع* دلایل خود را در ناکافی بودن دلایل عزالدین شیرازی بر وجه اختصار ذکر کرده است (همو، همان جا). دلیل دیگری که باید درباره تأثیرپذیری از رساله‌های قبلی گفت، اشاره به رساله‌های متقدم به منزله پیشینه تحقیق او و همچنین فهرست منابع برای رساله است که امروزه در تحقیقات مرسوم است. ذکر آثار و نام نویسندگان قبلی، ضمن اینکه گستره مطالعاتی مؤلف را در زمینه مورد نظر نشان می‌دهد، بیانگر تأثیرپذیری مؤلف در انتخاب موضوع مطالعه است. وی با آگاهی از پیشینه تحریم تنباکو، به حیطه‌های جدیدی در بحث تحریم ورود کرده و بحث تحریم را از حالت مقطعی سیاسی به یک بحث فقهی و فرهنگی و اجتماعی تبدیل کرده است. البته فتوای حرمت استعمال دخانیات سابقه طولانی در اروپا و ایران داشته است؛ چنان که دخانیات در اروپا توسط پاپ اوربان هشتم در سال ۱۶۲۳م. و پاپ انیوسان دوازدهم در سال ۱۶۹۱م تحریم شد و استفاده کنندگان را کافر اعلام کردند (محمود، ۱۳۷۸: ۱۶۱۴/۴). در ایران در سال ۱۰۲۰ق به علت شیوع بیش از حد استعمال دخانیات، تحریم آن توسط شاه‌عباس دوم صورت گرفت، اما موفق نبود (آزند، ۱۳۶۷: ۲۷). محمدباقر در رساله خود از اینکه شاه‌عباس با صدور حکم تحریم نتوانست منع استعمال دخانیات کند، یاد می‌کند (بیرجندی، [بی تا]: ۷۰).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر اندیشه محمدباقر در تحریم استعمال تریاک را می‌توان شرایط اجتماعی و سیاسی منطقه ذکر کرد. انگلیسی‌ها که برای حفظ هندوستان به اهمیت ژئوپلیتیک بیرجند واقف بودند، برای نفوذ و تسلط بر شرق ایران به خصوص بیرجند تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده بودند و حفظ روابط حسنه با حاکم بیرجند را توصیه می‌کردند (فردوست، ۱۳۶۹: ۲۳۳-۲۳۴). در راستای این پروژه استعماری، انگلیسی‌ها از طریق هند تریاک را در بلوچستان، سیستان، خراسان و کرمان رواج دادند. هدف انگلیسی‌ها از رواج تریاک آن بود که از حملات مردان جنگجوی این منطقه به هندوستان که احساس خطر می‌کرد، جلوگیری کنند (افشار، ۱۳۹۰: ۵۶). با توجه به آزاد بودن مصرف تریاک، رواج

کشت تریاک در دوره ناصرالدین شاه و تبدیل مزارع گندم به آن (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۳) و همچنین اختصاص سهمیه ماهانه برای اهالی هر منطقه در بیرجند و تبدیل اجباری آن به شیرۀ تریاک، استعمال این ماده رواج یافت (رجبی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۳۶). شیوع اعتیاد در بیرجند و روستاهای حومه به گونه‌ای بود که محل‌های عمومی برای کشیدن تریاک، مانند قهوه‌خانه‌ها پدید آمد (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۶۰) که به قول «اف. هیل» جسم و روح مردم را به تباهی کشاند (هیل، ۱۳۷۸: ۳۷). مشاهده این وضعیت اسفبار که در منطقه پدید آمده بود، محمدباقر را وا داشت تا رساله‌ای درباره حرمت تریاک بنویسد و فساد آن را با فساد شراب و خمر برابر بداند و تریاک را ملعون بخواند.

نتیجه‌گیری

مقایسه تطبیقی رساله‌های دخانیه کربلایی و هیدجی با رساله نصیح الاستغاثه بیرجندی، بیانگر نکات مهم و درخور توجهی است. وجوه تفاوت و تشابهی در آنها دیده می‌شود که ناشی از جایگاه علمی و خاستگاه اندیشه و محل سکونت آنهاست.

از جمله وجوه اشتراک رساله کربلایی و هیدجی، بُعد استعمارستیزی آنهاست که به دلیل حضور نویسندگان در متن واقعه تحریم دخانیات و ارتباط با علما در تهران و عتبات، وجه استعمارستیزی آنها پررنگ‌تر شده است. هیدجی و کربلایی با نوعی رویکرد تاریخی، به سان مورخی توانمند و آگاه به مسائل روز ایران و جهان، سیر تاریخی حوادث مربوط به قضیه تحریم دخانیات را با روحیه ضداستعماری دنبال کرده و با محوریت فتوای میرزای شیرازی و اصالت اسلامی جنبش، دست به تدوین رساله زده‌اند، اما در رساله محمدباقر بیرجندی رویکرد مبازه با بیگانه، نسبت به دیگر وجوه از رجحان کمتری برخوردار است و رویکرد اجتماعی آن پررنگ‌تر از دیگر رویکردها است. از دیگر وجوه اشتراک رساله‌های فوق، توجه به جنبه‌های اجتماعی دخانیات است که در هر سه رساله به چشم می‌خورد. کربلایی و هیدجی به حضور پرشور مردم در قضایای تحریم دخانیات و نقش بی‌بدیل آنها در اطاعت از روحانیت و لغو قرارداد اشاره دارند، اما نوع نگاه و رویکرد محمدباقر در نصیح الاستغاثه با کربلایی و هیدجی متفاوت است. محمدباقر با مشاهده پیامدهای سوء مصرف تریاک در منطقه که ناشی از سیاست‌های استعماری انگلیس بوده و با تأثیرپذیری از رساله‌هایی چون رساله دخانیات عزالدین شیرازی و مولی خلیل قزوینی و سید نصرالله حائری، دست به نگارش

رساله نصیح الاستغاثه زده و با استناد به آیات قرآن و احادیث، به اثبات حرمت تریاک پرداخته است. در نصیح الاستغاثه به دلیل توانمندی‌ها و جایگاه قهقی و علمی نویسنده آن و همچنین دغدغه‌های اجتماعی او که ناشی از اثرات سوء تریاک در منطقه بوده، به جنبه‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای شده و به همین دلیل براهین و استدلال‌های او درباره حرمت تریاک با دو نویسنده دیگر متفاوت است. وی با تکیه بر مضرات تریاک از بُعد سلامتی جسم و روان و معضلات اجتماعی، مانند کاهش جمعیت، فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی، در کنار تبیین دلایل قهقی تلاش کرده است تا جامعه را متوجه آسیب‌ها و مضرات مصرف تریاک کند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- آژند، یعقوب (۱۳۶۷)، قیام تنباکو، تهران: امیرکبیر.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱)، بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قایمات و قهستان، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اصفهانی کربلایی، سیدحسن (۱۳۸۲)، تاریخ دخانیه، به کوشش رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اعتصام‌الملک، خانلرخان (۱۳۵۱)، سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک، به کوشش منوچهر محمدی، تهران: چاپخانه فردوسی.
- اعتمادالسلطنه (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰)، سیاست‌های استعماری در خاور ایران، زاهدان: تفتان.
- افندی، عبدالله (۱۳۸۹)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ترجمه شیخ محمدباقر ساعدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، دین و دولت در ایران؛ نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه ابولقاسم سری، تهران: توس.
- امین‌الحسینی‌العاملی، محسن (۱۴۲۰)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
- بامداد، مهدی (۱۳۵۳)، تاریخ رجال ایران، تهران: زوار.
- بخاری، محمدبن‌اسماعیل (۱۳۹۱)، صحیح بخاری، تحقیق محمدبن‌زهیر ناصر، بیروت: دارالطوق نجات.
- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۹۴)، کبریت احمر فی شرایط منبر، قم: نغمه قرآن.
- [بی‌تا]، رساله نصیح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه، نسخه خطی، کتابخانه ملی.
- تهرانی، آقا بزرگ (۱۳۶۳)، میرزای شیرازی، ترجمه هدیه الرازی الی الامام‌المجدد الشیرازی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- [۱۴۰۴ق]، تباه البشر فی قرن الرابع العشر، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی و محمدطباطبایی، مشهد:

دارالمرتضی.

- تیموری، ابراهیم (۱۳۵۸)، *تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران*، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- تبریزی، عبدالکریم (۱۳۸۴)، «میرزای شیرازی و حماسه تنباکو»، *مبلغان*، ش ۶۶، صص ۹-۱۹.
- جوادزاده، علی‌رضا (زمستان ۱۳۸۸)، «موضع فقهای شیعه در قبال تمدن غرب با تأکید بر مقطع نهضت تنباکو تا مشروطیت»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ششم، ش ۱۹، صص ۱۴۱-۱۶۱.
- حیدری، اصغر، (تابستان ۱۳۸۶)، «روحانیت و نهضت تحریم تنباکو»، *تاریخ معاصر*، س ۱۱، ش ۴۲، صص ۷۷-۱۱۶.
- دارابی، بهنام (بهار ۱۳۹۲)، «حوزه علمیه تقریب‌گرای سامرا و نقش میرزای شیرازی»، *مطالعات تقریب مذاهب اسلامی*، س ۸، ش ۸، صص ۳۹-۴۹.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *فرهنگ لغت*، تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، محمدشریف (۱۳۵۲)، *گنجینه دانشمندان*، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- رجبی، نجیب‌الله، مریم دهقانپور و معصومه رجبی (۱۳۹۴)، *تاریخ خراسان جنوبی*، تهران: شهرآشوب.
- رضایی، جمال (۱۳۸۱)، *بیرجندنامه*، به اهتمام دکتر محمود رفیعی، تهران: هیرمند.
- روزنامه خورشید (۱۳۲۵)، س ۱، ش ۲۹۲۹، صص ۲-۳.
- زنجانی، موسی (۱۳۸۰)، *الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان*، قم: آل‌عبا.
- سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- سعیدزاده، محسن (۱۳۶۹)، *بزرگان قاین*، قم: ناصر.
- سرداری‌نیا، صمد (۱۳۷۷)، *تبریز در نهضت تنباکو*، تبریز: انتشارات اشینا.
- شیخ صدوق، محمدعلی ابن بابویه (۱۳۷۷)، *خصال*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- ---- (۱۳۹۲ق)، *من لایحضره الفقیه*، تهران: مکتب الصدوق.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۲)، *اسناد سیاسی دوران قاجاریه*، تهران: بابک.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲)، *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*، بیرجند: رزقی.
- عباسی فردوئی، غلامعلی (۱۳۹۱)، *تحریم تنباکو و مشروطیت*، قم: انتشارات زائر.
- فخریمی، آقاجان (۱۳۷۶)، *تاریخ ابهر*، ابهر: زنگان.
- فردوست، حسین (۱۳۶۹)، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: اطلاعات.
- فوریه، ژوانس (۱۳۶۲)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، *روس و انگلیس در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کرزن، لرد جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۶۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: ابن‌سینا.

- محمود، محمود (۱۳۷۸)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران: اقبال.
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹)، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب، تهران: خیام.
- مرعشی، محمود (۱۴۱۶)، المسلسلات فی الاجازات، قم: مطبعة آیت الله مرعشی نجفی.
- مرشدی‌زاده، علی و همکاران، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «بسج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو»، دوفصلنامه دانش سیاسی، س ۶، ش ۱۲، صص ۱۷۷-۲۰۶.
- مفید، حسین (تابستان ۱۳۸۵)، «باورداشت امامت - مهدویت در مکتب سامراء»، مجله سفینه، ش ۱۱، صص ۱۰۳-۱۴۰.
- ناطق، هما (۱۳۷۳)، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، تهران: انتشارات توس.
- نجفی، موسی و محمدسجاد نجفی (بهار ۱۳۹۱)، «جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیرات آن در نهضت بیداری اسلامی»، علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، ش ۱۸، صص ۱۷۹-۲۱۸.
- نجفی، موسی (۱۳۹۱)، اندیشه تحریم و خودباوری، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ---- (۱۳۹۷)، «اندیشه تحریم در رسائل سیاسی (از قیام تحریم تنباکو تا نیم قرن بعد از آن)»، کیهان فرهنگی، ش ۳۷۶ و ۳۷۷، صص ۶۲-۶۹.
- هیدجی، ملامحمدعلی (۱۳۸۱)، رساله دخانیه، به کوشش علی‌اکبر ولایتی، تهران: وزارت خارجه.
- هیل، اف. (۱۳۷۸)، نامه‌هایی از قهستان، ترجمه محمدحسن گنجی، مشهد: آستان قدس رضوی.